

## Comparison of Early Maladaptive Schemas in Sex Offenders and Non-offenders

Azam Noforesti. M.A.

Kharazmi University of Tehran

Saeid Akbari Zardkhaneh. Ph.D student

University of Allame Tabatabaee

### Abstract

The purpose of this study was to compare early maladaptive schemas in sex offenders and non-offenders. The present study is a descriptive-post hoc study. From male sex offenders over 18 years old in Rajayee Shahr and Qezelhesar prisons in 2009 (1388s.c.), 45 sex offenders as were selected. 45 non-offenders as control group were also matched with them in terms of their age, marriage status, education and job. Early Maladaptive Schema questionnaire - short form SQ-SF (Young, Smith et al., 1995) was applied to collect the data. Stepwise discriminant analysis showed that the four schemas of abandonment, mistrust, dependence and vulnerability, respectively from the most to the least, could predict sex offenses. Abandonment, instability, mistrust, dependence Incompetence and vulnerability play a principle role in identifying the difference between sex offenders and no offenders ( $P < 0.001$ ). So, cognitive-behavioral therapies on sex offenders should emphasize on both automatic thoughts and early maladaptive schemas

**Key words:** early maladaptive schemas, sex offenders, non-offenders, stepwise discriminant analysis.

## مقایسه طرحواره‌های ناسازگار اولیه در مجرمان جنسی و افراد عادی

اعظم نوفرستی\*

عضو هیأت علمی جهاد دانشگاهی دانشگاه خوارزمی

سعید اکبری زردخانه

دانشجوی دکتری سنجش و اندازه‌گیری دانشگاه علامه طباطبایی

### چکیده

هدف این پژوهش مقایسه طرحواره‌های ناسازگار اولیه در مجرمان جنسی و افراد عادی بود. این پژوهش، مطالعه توصیفی - پس‌رویدادی است. از مجرمان جنسی مرد بالای ۱۸ سال شهر تهران که در سال ۱۳۸۸ در زندان‌های رجایی‌شهر و قزل‌حصار به سر می‌بردند، ۴۵ مجرم جنسی به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ۴۵ فرد هم‌تا با این گروه براساس متغیرهای سن، تأهل، سطح تحصیلات و شغل برای گروه گواه انتخاب شدند. از پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه SQ-SF (یانگ، اسمیت و همکاران، ۱۹۹۵) برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. تحلیل تمایزی گام به گام نشان داد که چهار طرحواره ره‌اشدگی، بی‌اعتمادی، وابستگی و آسیب‌پذیری به ترتیب از بیشترین به کمترین توانایی پیش‌بینی عضویت افراد در گروه‌های مجرم جنسی و غیرمجرم را دارند ( $P < 0.001$ ). با استفاده از طرحواره‌های ره‌اشدگی، بی‌اعتمادی، وابستگی و آسیب‌پذیری می‌توان افراد مجرم جنسی و غیرمجرم را از هم تشخیص داد. بنابراین درمان‌های شناختی - رفتاری مجرمان جنسی باید علاوه بر افکار خودآیند منفی، باورهای بنیادین اولیه را نیز مورد توجه قرار دهند.

**واژه‌های کلیدی:** طرحواره‌های ناسازگار اولیه، جرم جنسی، افراد غیرمجرم، تحلیل تشخیصی.

## مقدمه

۲۰۱۳). هارتلی (۱۹۹۸) نشان داد که گروه مجرمان جنسی نسبت به افراد غیرمجرم عقاید و باورهای تحریف شده بیشتری دارند. نانز و جانگ<sup>۱۶</sup> (۲۰۱۳) نشان دادند که مجرمان جنسی باورهایی دارند که پیامدهای نامطلوب ناشی از جرم جنسی را انکار یا کوچک‌نمایی می‌کنند. به‌عنوان مثال، آنها احساس گناه و تقصیر نمی‌کنند و اعتقاد ندارند که به قربانی خود صدمه زده‌اند. همچنین آنها احساس مسؤولیت کمتری در قبال اعمال خود دارند.

مورفی<sup>۱۷</sup> (۱۹۹۰) نشان داده است که سه دسته از متغیرهای شناختی در انجام تجاوزات جنسی دخیل‌اند. دسته اول خطاهای شناختی هستند که به‌عنوان اشتباه‌های پایدار در تفکر، تعریف شده و به‌صورت خودکار به ذهن می‌آیند (بک، ۱۹۹۵). دسته دوم نگرش‌ها و تصورات قالبی جنسی نسبت به زنان است که از نظر سبب‌شناسی به رفتارهای پرخاشگرانه جنسی نسبت به زنان منجر می‌شود (گیر و همکاران، ۲۰۰۰). دسته سوم نیز الگوهای پایدار از تفکر تحریف شده یا طرحواره‌ها<sup>۱۸</sup> هستند که موجبات تجاوز جنسی را در فرد به‌وجود می‌آورند. این طرحواره‌ها به حوزه‌های متعدد زندگی فرد نفوذ کرده و فقط به تجاوز جنسی محدود نمی‌شوند (وارد و کنان<sup>۱۹</sup>، ۱۹۹۹؛ وارد، ۲۰۰۰؛ سیاردا و وارد، ۲۰۱۳؛ بیچ، باتلز و دیاکسون<sup>۲۰</sup>، ۲۰۱۳).

وارد (۲۰۰۰) معتقد است تفکراتی که به تأیید و تصدیق تجاوز می‌پردازد و غالباً متجاوزان جنسی از آن استفاده می‌کنند، به واسطه مجموعه‌ای از طرحواره‌ها به‌وجود می‌آیند. وارد (۲۰۰۰) این طرحواره را شبکه‌ای از باورهای مرتبط به هم می‌داند که متجاوزان جنسی درباره خود و دنیای اطراف خود دارند. همچنین یانگ (۱۳۸۴؛ ۱۳۸۶) این طرحواره‌ها را الگوهای هیجانی و شناختی خود - آسیب‌رسانی<sup>۲۱</sup> می‌داند که در ابتدای رشد و تحول در ذهن شکل گرفته‌اند و در مسیر زندگی تکرار می‌شوند. براساس نظر یانگ رفتارهای ناسازگار در پاسخ به چنین طرحواره‌هایی به‌وجود می‌آیند. وارد و کنان (۱۹۹۹) بیان می‌کنند طرحواره‌ها، به روش ورود اطلاعات،

جرایم جنسی بیشتر براساس توسل به زور، بی‌حرمتی در روابط نزدیک و تجاوز به نظم عمومی تعریف می‌شوند؛ اما با مفاهیم بالینی انحراف جنسی<sup>۱</sup> رابطه‌ای غیرمستقیم دارند (چهارمین راهنمایی تشخیصی و آماری اختلالات روانی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰). آمار رسمی تمامی کشورها در چهار دهه گذشته حاکی از افزایش قابل ملاحظه جرایم جنسی است. به‌طور تقریبی ۲۲ درصد از جمعیت ایالات متحده آمریکا (۱۶ درصد از مردان و ۲۹ درصد از زنان) حداقل یک‌بار قبل از ۸ سالگی قربانی سوءاستفاده جنسی شده‌اند (ریان، لورسی و لین<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱). آمارهای منتشر شده از پلیس آمریکا نشان می‌دهد که ۲/۲ میلیون از تمامی جرایم ثبت شده (حدود ۱۶ درصد) مربوط به جرایم جنسی است (به نقل از کریوشی، ادکینز، هایز، نمث و کلین<sup>۴</sup>، ۲۰۱۳). دو جرم جنسی عمده یعنی تجاوز به کودکان و زنان بیشترین میزان پژوهش‌های روان‌شناختی را به خود اختصاص داده و در نتیجه نقش روان‌شناسی را در درک انواع خاص جرایم جنسی، بهتر منعکس کرده‌اند (دادستان، ۱۳۸۵).

جرایم جنسی از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. در این بین شناخت درمانگران که بر اهمیت نقش عوامل شناختی بر اعمال و رفتار فرد تأکید می‌کنند (بک<sup>۵</sup>، ۱۹۹۵؛ یانگ<sup>۶</sup>، ۱۳۸۴؛ ۱۳۸۶) معتقدند که شناخت‌واره‌ها<sup>۷</sup> نقش مهمی در پرورش جرم و تمایل افراد به ارتکاب جرایم جنسی بازی می‌کند (ریان<sup>۸</sup>، ۲۰۰۴؛ گیر، استاینانو منگانو-مایر<sup>۹</sup>، ۲۰۰۰؛ وارد، گانون و کوان<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۶؛ سیاردا<sup>۱۱</sup> و وارد، ۲۰۱۳). این متخصصان بر این عقیده‌اند مجرمان جنسی، باورهایی دارند که تجاوز را تأیید کرده و در طراحی و آمادگی برای وقوع جرم به آنها کمک می‌کند. پژوهش‌های متعدد نشان داده است که بین باورهای حمایت‌کننده از تجاوز جنسی و اقدام به زورگیری‌های جنسی پرخاشگرانه رابطه مستقیم وجود دارد (بیرز و انو<sup>۱۲</sup>، ۱۹۹۱؛ کریستوفر، اونز و استکر<sup>۱۳</sup>، ۱۹۹۳؛ هرش و گری - لیتل<sup>۱۴</sup>، ۱۹۹۸؛ ریان و همکاران، ۲۰۱۱؛ کرایساتی<sup>۱۵</sup>،

- |                                   |   |
|-----------------------------------|---|
| 1. paraphilia                     | 2. diagnostic and statistical manual of mental disorder |
| 3. Ryan, Leversee & Lane          | 4. Krivoshey, Adkins, Hayes, Nemeth, Klein              |
| 5. Beck                           | 6. Young  |
| 7. cognitions                     | 8. Ryan   |
| 9. Geer, Estupinan & Manguno-Mire | 10. Ward, Gannon & Keown                                |
| 11. Ciardha                       | 12. Byers, & Eno  |
| 13. Chistopher, Owens, & stecker  | 14. Hersh & Gray- little                                |
| 15. Craissati                     | 16. Nunes & Jung  |
| 17. Murphy                        | 18. schema  |
| 19. Keenan                        | 20. Beech, Bartels & Dixon                              |
| 21. Self- defeating               |   |

همه نیازهای آنها از جمله نیازهای جنسی برآورده شود. طرحواره دنیای خطرناک دنیا را جایی سرشار از ظلم و بی‌عدالتی می‌داند که افراد برای رسیدن به علایق و نیازهای خود باید به دیگران آسیب برسانند، آنها را مورد بهره‌برداری قرار دهند و دیگران را تحقیر کنند یا فریب دهند. همچنین پژوهش‌ها نشان می‌دهند باورها و نگرش‌های مجرمان جنسی نسبت به زنان و کودکان، سنتی و محافظه‌کارانه است و به شدت به حق جنسی مردان باور دارند (هانسون، گیزارلی و اسکات<sup>۹</sup>، ۱۹۹۴؛ نانز و جانگ، ۲۰۱۳). بیکر<sup>۱۱</sup> و بیچ (۲۰۰۴) نشان دادند مجرمان جنسی و بزهدار طرحواره‌های ناسازگار اولیه بیشتری را نسبت به افراد غیربزهدار دارند. پژوهش‌های دیگر نیز از این یافته‌ها حمایت می‌کنند و نشان می‌دهند که این مجرمان باورهای بنیادینی دارند که آنها را به سمت جرم جنسی سوق می‌دهد (گانون، وارد و گلی<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۷؛ ترمبلی و دویس<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۹؛ ریان و همکاران، ۲۰۱۱؛ هریسون و رینی<sup>۱۳</sup>، ۲۰۱۳).

با اینکه پژوهش‌های زیادی به بررسی نقش عوامل شناختی بر انجام جرایمی جنسی پرداخته‌اند (گیر و همکاران، ۲۰۰۰؛ ریان، ۲۰۰۴) اما بیشتر این پژوهش‌ها به بررسی دو دسته اول متغیرهای شناختی بیان شده در پژوهش مورفی (۱۹۹۰) یعنی خطاهای شناختی و نگرش‌ها و تصورات قلبی درباره تجاوز پرداخته‌اند و پژوهش‌هایی که به بررسی نقش طرحواره‌ها پرداخته باشد، بسیار محدود است. پژوهش‌های انجام شده در این زمینه نیز بیشتر مبتنی بر نظریه‌های ضمنی<sup>۱۴</sup> وارد (۲۰۰۰) بوده و درباره طرحواره‌های ناسازگار اولیه یانگ پژوهشی بر روی مجرمان جنسی انجام نشده است. بر این اساس به نظر می‌رسد تا زمانی که درک صحیح و مقتضی از سازوکارهای زیربنایی این جرایم به دست نیاید، کوشش‌های درمانگران برای اصلاح و تغییر رفتار ناسالم مجرمان جنسی با مانع روبه‌رو شده و به کندی پیش خواهد رفت. به همین دلیل انجام پژوهش‌هایی از این قبیل که به بررسی سازوکارهای زیربنایی این جرایم می‌پردازد، می‌تواند به درک عمیق‌تر این جرایم و در نتیجه درمان مؤثرتر آن کمک کند. از سوی دیگر، با توجه به افزایش بروز این جرایم و تأثیر آن بر روی زنان و کودکان قربانی، توجه پژوهشگران را می‌طلبد تا برنامه‌ریزی‌ها و مداخلات مناسب را در این زمینه انجام دهند.

ادراک اطلاعات و تفسیر آنها در مغز تأثیر می‌گذارند. آنها طرحواره‌ها را راهنمای عمل متجاوزان جنسی می‌دانند که باعث می‌شوند آنها دنیا را به گونه‌ای تعبیر و تفسیر کنند که با تجاوز همسان و سازگار باشند. بیشتر این طرحواره‌ها در دوران کودکی شکل می‌گیرند؛ با این حال ممکن است در طول زندگی، در پاسخ به برخی شواهد متناقض، متحول شوند. شیوه‌های فرهنگی و هنجارهای اجتماعی متفاوت می‌تواند بر محیط یادگیری اولیه کودکان تأثیر گذاشته و در نهایت بر شیوه ادراک و تفسیر آنها از جهان خارج اثرگذار باشند (پلاچک<sup>۱</sup> و وارد، ۲۰۰۲). وارد (۲۰۰۰) بر این اعتقاد است که همه افراد دارای این باورها، مرتکب جرم جنسی نمی‌شوند؛ بلکه وقایع منفی دوران کودکی را به‌عنوان عاملی مهم در نظر می‌گیرد. طرحواره‌های ناسازگار در سنین کودکی، وقتی کودک تلاش می‌کند تا اتفاقات منفی غیرمعمول (مانند مرگ والدین، آزار جسمانی، بی‌توجهی) را پیش‌بینی و درک کند، ایجاد می‌شوند. مطالعات بسیاری نشان داده است که تاریخچه زندگی مجرمان جنسی سرشار از تجارب خشونت‌آمیزی مانند سوء استفاده جنسی، آسیب و آزار جسمانی و روابط خانوادگی ناکارآمد است (داوان و مارشال<sup>۲</sup>، ۱۹۹۶؛ هاپاسالو و کانکونن<sup>۳</sup>، ۱۹۹۷؛ ریان و همکاران، ۲۰۱۱). همچنین سابقه خانوادگی مجرمان جنسی، با بی‌توجهی، خشونت و درگیری والدین همراه است. می‌توان گفت تقریباً یک سوم مجرمان جنسی در تاریخچه کودکی خود، روابط ضعیف خانوادگی، جدایی یا فقدان والدین، زندگی در پرورشگاهها، آزار جنسی یا جسمانی و بی‌توجهی و طرد شدن را گزارش می‌کنند (بوسول<sup>۴</sup>، ۱۹۹۵؛ فالشو و براون<sup>۵</sup>، ۱۹۹۷؛ ریان و همکاران، ۲۰۱۱).

وارد و همکاران (وارد و کنان، ۱۹۹۹؛ پلاچک و وارد، ۲۰۰۲؛ پلاچک و گانون، ۲۰۰۴؛ سیاردا و وارد، ۲۰۱۳) سه مورد از طرحواره‌ها را شناسایی کرده‌اند که در دو گروه متجاوزان به کودکان و زنان مشترک است. این طرحواره‌ها عبارت‌اند از طرحواره کنترل‌ناپذیری<sup>۶</sup>، استحقاق و بزرگ‌منشی<sup>۷</sup> و دنیای خطرناک<sup>۸</sup>. طرحواره کنترل‌ناپذیری میل جنسی مردان را به‌طور ژنتیک غیرقابل کنترل می‌داند و زنان را مسؤول تجاوز به آنها می‌داند. طرحواره استحقاق به مردان حق می‌دهد که

1. Polaschek, D.L.  
3. Haapasalo & Kankkonen  
5. Falshaw  
7. entitlement  
9. Hanson, Gizzarelli & Scott  
11. Collie  
13. Harrison & Rainey

2. Dhawan & Marshall  
4. Boswell  
6. uncontrollability  
8. dangerous world  
10. Backer  
12. Tremblay & Dozois  
14. implicit theory

جرایم مطرح کرد. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف شناسایی و مقایسه طرحواره‌های ناسازگار اولیه در مجرمان جنسی و افراد غیرمجرم قدمی در جهت پر کردن این خلأ پژوهشی بود.

### روش

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری: این پژوهش از نظر هدف، جزء پژوهش‌های بنیادی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها از نوع مطالعه‌های توصیفی<sup>۱</sup> به‌شمار می‌رود. جامعه آماری پژوهش حاضر را مجرمان جنسی مرد بالای ۱۸ سال شهر تهران که در سال ۱۳۸۸ در زندان‌های رجایی‌شهر و قزل‌حصار به‌سر می‌بردند، تشکیل دادند. ۴۵ مجرم جنسی (حجم نمونه با توجه به حداقل حجم نمونه لازم برای مطالعات علی-مقایسه‌ای انتخاب شد، گال و بورگ<sup>۲</sup> (۱۳۸۳) شامل سوءاستفاده‌کنندگان جنسی از کودکان و تجاوز به زنان براساس ملاک‌های ورود و خروج پژوهش و به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. در این پژوهش مجرمانی به گروه آزمایش وارد شدند که انگیزه کافی برای شرکت در پژوهش را داشته باشند و جرم آنها برای مراجع قضایی محرز شده و در حال گذراندن دوره محکومیت خود باشند. داشتن سابقه دستگیر شدن به دلیل جرم غیرجنسی از ملاک‌های خروج این پژوهش بود. برای تشکیل گروه گواه ۴۵ فرد غیرمجرم که تا حد امکان براساس سن، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات و شغل با این گروه هم‌تا شدند، انتخاب گردیدند.

ضرورت انجام پژوهش‌هایی از این قبیل وقتی بیشتر احساس می‌شود که هنوز بعد از تلاش‌ها و پژوهش‌های دامنه‌دار و گسترده‌ای که از سالیان قبل در سبب‌شناسی جرایم جنسی به عمل آمده، دستیابی به یک رویکرد علی واحد برای این جرایم امکان‌پذیر نشده است و به نظر می‌رسد تا زمانی که درک صحیح و مقتضی از سازوکارهای زیربنایی این جرایم به دست نیاید، کوشش‌های درمانگران برای اصلاح و تغییر رفتار ناسالم به کندی پیش خواهد رفت. بر این اساس، انجام پژوهش‌هایی که به بررسی سازوکارهای زیربنایی این جرایم می‌پردازد، افق‌ها و چشم‌اندازهای نوینی را در برابر پژوهشگران و درمانگران می‌گشاید که به درک عمیق‌تر و درست‌تر این جرایم و در نتیجه درمان مؤثرتر آن می‌انجامد.

از سوی دیگر، افزایش قابل توجه جرایم جنسی در خلال چهار دهه اخیر و پیامدهایی که این جرایم در سطح فردی و اجتماعی به دنبال دارد، ضرورت انجام پژوهش‌هایی را در زمینه تبیین جرایم جنسی نشان می‌دهد. همچنین انجام پژوهش‌هایی از این قبیل می‌تواند هر چند جزئی، گره‌گشای بسیاری از مشکلات و تنگناهای پژوهش در این زمینه باشد و به‌عنوان سنگ بنایی برای علاقه‌مند کردن روان‌شناسان به فرایندهای شناختی زیربنایی جرایم جنسی و تبیین آن از دیدگاه طرحواره و انجام پژوهش در این زمینه قلمداد شود. با یافته‌های به‌دست آمده از این پژوهش‌ها می‌توان به عوامل مؤثر در بروز و پرورش این جرایم دست یافته و پیشنهادهایی را برای روش‌های پیشگیری و درمان مناسب این

جدول ۱- اطلاعات جمعیت‌شناختی نمونه به تفکیک گروهها (N=۹۰)

متغیر	مجرمان جنسی		افراد غیرمجرم	
	N	درصد	N	درصد
وضعیت تأهل	۲۱	۴۶/۷	۲۲	۵۱
	۱۴	۳۱	۲۳	۴۹
	۳	۶/۷	۰	۰
	۷	۱۵/۶	۰	۰
تحصیلات	۲۲	۴۸/۹	۱۶	۳۵/۶
	۱۴	۳۱/۱	۲۱	۴۶/۷
	۸	۱۷/۸	۸	۱۷/۸
	۱	۲/۲۰	۰	۰
شغل	۰	۰	۳	۶/۷
	۲	۴/۴	۴	۸/۹
	۱۸	۴۰	۱۳	۲۸/۹
	۲۱	۴۶/۷	۱۹	۴۲/۲
	۳	۶/۷	۴	۸/۹
	۱	۲/۲	۲	۴/۴

حرف‌هایش را با من بزند و عمیقاً نگران اتفاقاتی باشد که برایم می‌افتد».

### روش اجرا و تحلیل

یافته‌های این پژوهش با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS17 تجزیه و تحلیل شد. برای بررسی تفاوت دو گروه در طرحواره‌های ناسازگار اولیه از آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه و برای پیش‌بینی جرم جنسی براساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه از تحلیل تشخیصی گام به گام استفاده گردید.

### یافته‌ها

بین متغیرهای جمعیت‌شناختی و متغیر ملاک همبستگی معناداری دیده نشد ( $P > 0/05$ )، بنابراین هیچ کدام از این متغیرها در تحلیل بررسی نشدند. خلاصه یافته‌های توصیفی و استنباطی گروه نمونه در خرده‌مقیاس‌های پرسشنامه یانگ در جدول ۲ ارائه شده است.

**فرضیه اول:** بین دو گروه مجرم جنسی و افراد عادی از نظر طرحواره‌های ناسازگار اولیه تفاوت معنادار وجود دارد.

**فرضیه دوم:** طرحواره‌های ناسازگار اولیه می‌توانند جرم جنسی را پیش‌بینی کنند.

جدول ۲ نشان می‌دهد در گروه نمونه، میانگین همه طرحواره‌ها بجز طرحواره‌های «محرومیت هیجانی»، «معیار سرسختانه»، و «شکست»، در بقیه طرحواره‌ها بین دو گروه مجرمان جنسی و افراد غیرمجرم تفاوت معناداری وجود دارد. به این معنا که گروه مجرمان جنسی در مقایسه با گروه افراد غیرمجرم طرحواره‌های ناسازگار بیشتری دارند. بنابراین فرضیه اول پژوهش تأیید می‌شود. در ادامه و برای مشخص کردن قابلیت پیش‌بینی طرحواره‌های ناسازگار اولیه برای تشخیص گروه مجرم جنسی از افراد غیرمجرم، تحلیل تشخیصی گام به گام<sup>۴</sup> انجام گرفت. قبل از انجام تحلیل، بررسی مفروضه اولیه این تحلیل، یعنی آزمون تساوی ماتریس‌های کوواریانس باکس<sup>۵</sup> ( $M=27/41$ ،  $P=0/40$ ) نشان داد که داده‌ها کفایت و شرایط لازم برای ورود به این تحلیل را دارند. بنابراین این تحلیل انجام شد. فرایند این تحلیل طوری است که ترتیب ورود متغیرها در معادله پیش‌بینی براساس بالاتر بودن ضریب همبستگی هر متغیر مستقل با متغیر ملاک است (هومن، ۱۳۸۶).

میانگین سن گروه نمونه ۲۷ سال و انحراف استاندارد آن ۹/۴۰ است. سایر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی گروهها در جدول ۱ آمده است. نتایج به‌دست آمده از آزمون خی‌دو نشان می‌دهد که بین گروهها از نظر وضعیت تأهل، تحصیلات و شغل تفاوت معناداری وجود ندارد و گروهها در این موارد با هم همتا هستند.

### ابزار پژوهش

پرسشنامه طرحواره یانگ<sup>۱</sup>: این پرسشنامه را که یانگ (۱۳۸۶) از روی فرم اصلی ۲۰۵ ماده‌ای آن ساخته است، ۷۵ گویه دارد و ۱۵ طرحواره ناسازگار اولیه را می‌سنجد. این طرحواره‌ها عبارت‌اند از: ره‌اشدگی / بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی / بدرفتاری، محرومیت هیجانی، نقص / شرم، انزوای اجتماعی / بیگانگی، وابستگی / بی‌کفایتی، آسیب‌پذیری نسبت به ضرر یا بیماری، خودتحوّل‌نیافته / گرفتار، شکست، استحقاق / بزرگ‌منشی، خویش‌داری، اطاعت، ایثار، بازداری هیجانی و معیارهای سرسختانه. پاسخ به ماده‌های این پرسشنامه در یک طیف ۶ درجه‌ای لیکرت از «کاملاً درست» درباره من (۶) تا «کاملاً غلط» درباره من (۱)، صورت می‌گیرد.

اسمیت، جویئر، یانگ و تلج<sup>۲</sup> (۱۹۹۵) ضریب آلفای خرده‌مقیاس‌های این ابزار را در جمعیت غیربالینی از ۰/۸۳ تا ۰/۹۷ و ضریب آزمون - بازآزمون را بین ۰/۵۰ تا ۰/۸۲ گزارش کرده‌اند. همچنین، روایی همگرا و افتراقی این پرسشنامه با مقیاس‌های ناراحتی روان‌شناختی، احساس ارزشمندی، آسیب‌پذیری‌شناختی نسبت به افسردگی و نشانه‌شناسی اختلالات شخصیت نشان داده شده است (یانگ، ۱۳۸۶). نتایج تحلیل عاملی نیز از ساختار عاملی درونی پرسشنامه (۱۵ طرحواره) حمایت کرده است. آهی (۱۳۸۴) ضریب آلفای خرده‌مقیاس‌ها را در دامنه‌ای بین ۰/۷۱ تا ۰/۹۰ گزارش کرده است که نشان‌دهنده همسانی درونی مناسب این پرسشنامه است. همچنین پژوهش آهی (۱۳۸۴) نشان داد که بیشتر خرده‌مقیاس‌های این پرسشنامه با مقیاس فهرست نشانگان بیماری - ۲۵<sup>۳</sup> رابطه نشان داده است. پایایی این پرسشنامه در نمونه پژوهش حاضر ۰/۸۰ به‌دست آمد. نمونه‌ای از سؤالات این پرسشنامه به شرح زیر است: «اغلب کسی را نداشته‌ام که از من حمایت کند.

1. Schema Questionnaire - Short Form (SQ-SF)  
3. Symptom Checklist - 25 (SCL-25)  
5. M box test of equality of covariance

2. Schmidt, Joiner, Young & Telch  
4. stepwise discriminant analysis

جدول ۲- خلاصه یافته‌های توصیفی گروه مجرمان جنسی و افراد غیرمجرم در خرده‌مقیاس‌های پرسشنامه طرحواره‌های یانگ

توان آزمون	تحلیل واریانس		افراد غیرمجرم		مجرمان جنسی		زیرمقیاس‌ها
	اندازه اثر	F	SD	M	SD	M	
۰/۸۱۵	۰/۰۷۴	۵/۷۸	۱/۰۵	۱۳/۵۷	۱/۱۲	۱۴/۹۴	محرومیت هیجانی
۱/۰۰۰	۰/۲۹۱	*۱۸/۳۲	۰/۹۵	۱۱/۷۴	۱/۰۱	۲۰/۳۲	رهاشده‌گی
۱/۰۰۰	۰/۲۶۳	*۲۱/۸۰	۰/۸۴	۱۲/۶۶	۰/۹۰	۲۰/۴۴	بی‌اعتمادی / بدرفتاری
۱/۰۰۰	۰/۲۲۴	*۱۴/۹۹	۰/۸۸	۹/۹۲	۰/۹۴	۱۵/۰۷	انزوای اجتماعی / بیگانگی
۰/۹۹۱	۰/۱۴۹	*۷/۲۵	۰/۸۶	۹/۲۱	۰/۹۳	۱۳/۵۶	نقص / شرم
۰/۸۱۸	۰/۰۷۴	۳/۹۹	۰/۹۲	۱۰/۴۷	۰/۹۸	۱۳/۴۴	شکست
۰/۸۶۶	۰/۰۸۴	*۵/۲۰	۱/۰۰	۱۰/۵۶	۱/۰۷	۱۲/۷۶	وابستگی / بی‌کفایتی
۱/۰۰۰	۰/۲۸۹	*۱۶/۴۱	۰/۹۹	۹/۳۴	۱/۰۶	۱۷/۳۲	آسیب‌پذیری
۰/۹۹۰	۰/۱۴۷	*۶/۴۱	۰/۹۳	۱۲/۳۰	۱/۰۰	۱۸/۱۷	گرفتار
۱/۰۰۰	۰/۲۴۳	*۱۲/۰۰۹	۰/۹۰	۱۰/۴۹	۰/۹۶	۱۴/۶۱	اطاعت
۱/۰۰۰	۰/۲۲۵	*۱۲/۷۵	۰/۸۸	۱۵/۶۶	۰/۹۴	۲۱/۶۹	ایثار
۰/۹۳۸	۰/۱۰۵	*۵/۴۳	۰/۹۳	۱۳/۶۰	۱/۰۰	۱۷/۵۷	بازداری هیجانی
۰/۸۰۷	۰/۰۷۳	۳/۴۰	۰/۹۲	۱۸/۶۰	۰/۹۸	۲۱/۸۰	معیارهای سرسختانه
۰/۹۶۷	۰/۱۲۰	*۸/۰۸	۰/۸۹	۱۵/۰۹	۰/۹۵	۱۸/۴۵	استحقاق
۰/۹۸۱	۰/۱۳۲	*۷/۷۵	۰/۸۴	۱۳/۷۴	۰/۹۰	۱۷/۰۰	خویش‌داری

\*P<۰/۰۱

جدول ۳- مشخصات متغیرهای ورودی به معادله پیش‌بینی

گام	متغیرهای ورودی	ضریب تحمل	F نسبت خروج از مطالعه	لامبدای ویلکز
۱	رهاشده‌گی	۱	۳۸/۸۱	-
۲	رهاشده‌گی	۰/۸۱	۱۱/۶۸	۰/۷۰
	بی‌اعتمادی	۰/۸۱	۸/۶۲	۰/۶۸
۳	رهاشده‌گی	۰/۷۳	۱۴/۹۴	۰/۷۰
	بی‌اعتمادی	۰/۷۴	۱۱/۴۸	۰/۶۷
	وابستگی	۰/۷۴	۴/۰۲	۰/۶۲
۴	رهاشده‌گی	۰/۷۱	۹/۴۴	۰/۶۰
	بی‌اعتمادی	۰/۶۸	۴/۸۹	۰/۵۷
	وابستگی	۰/۶۱	۸/۵۷	۰/۵۹
	آسیب‌پذیری	۰/۵۸	۷/۷۳	۰/۵۹

اختصاصی بودن این تابع ۲۸ درصد است. به این معنا که تابع ممکن است ۲۸ درصد از مجرمان جنسی را به اشتباه به‌عنوان افراد غیرمجرم طبقه‌بندی کند. به‌طور متوسط این تابع در پیش‌بینی گروه‌های واقعی افراد مجرم جنسی و افراد غیرمجرم در ۸۵ درصد موارد صحیح عمل می‌کند.

### بحث

طرحواره‌های رهاشدگی، بی‌اعتمادی، وابستگی و آسیب‌پذیری در شناخت آسیب‌شناسی‌های شناختی مجرمان جنسی از اهمیت زیادی برخوردارند و می‌توانند مجرمان جنسی را از افراد غیرمجرم متمایز کنند. یافته‌های این مطالعه نیز نشان داد که پیش‌بینی جرم جنسی براساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه امکان‌پذیر است. این نتیجه با یافته‌های هارتلی (۱۹۹۸)؛ پلاچک و گانون (۲۰۰۴)؛ بیکر و بیچ (۲۰۰۴)؛ بیرز و انو (۱۹۹۱)؛ کریستوفر، اُونز و استکر (۱۹۹۳)؛ هرش و گری - لیتل (۱۹۹۸)؛ ترمبلی و دوزیس (۲۰۰۹)؛ گانون، وارد و کُلی (۲۰۰۷)؛ نانز و جانگ (۲۰۱۳)؛ سیاردا و وارد (۲۰۱۳) همخوان است.

براساس این پژوهش‌ها به نظر می‌رسد، مجرمان جنسی افکار و باورهای تحریف‌شده‌ای دارند که تجاوز را تأیید می‌کنند. به‌عنوان مثال، آنها بسیاری رفتارهای زنان و کودکان را به‌عنوان تمایل آنها برای رابطه جنسی تفسیر می‌کنند. برخی از این افکار و باورها عبارت‌اند از: «کودکان از رابطه جنسی با بزرگسالان لذت می‌برند»، «رابطه جنسی برای کودکان مفید و سودمند است»، «همچنین، «زنانی که مورد تجاوز قرار می‌گیرند، لایق تجاوز هستند»، «زنان دوست دارند تحت کنترل و سلطه مردان قرار گیرند»، «زنان همیشه علاقه‌مند به برقراری رابطه جنسی هستند» (وارد، هادسون، جانستون و مارشال، ۱۹۹۷).

این یافته‌ها با مدل نظریه‌های ضمنی وارد (وارد، ۲۰۰۰)؛ سیاردا و وارد، (۲۰۱۳)، نظریه طرحواره‌های ناسازگار اولیه یانگ و مدل درمان‌شناختی - رفتاری طرحواره محور یانگ (۱۳۸۶؛ ۱۳۸۷) هماهنگ است. در این نظریه‌ها فرض بر این است که جرایم جنسی از فعالیت طرحواره‌های ناسازگار اولیه به‌وجود می‌آیند. افراد از طریق این طرحواره‌ها اطلاعات را تعبیر و تفسیر کرده و براساس آن عمل می‌کنند (برن و براون، ۲۰۰۶)؛ درک، وارد، ناتان و لی، (۲۰۰۱).

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که چهار طرحواره رهاشدگی، بی‌اعتمادی، وابستگی و آسیب‌پذیری به ترتیب دارای بیشترین قدرت پیش‌بینی جرم جنسی هستند. به‌عبارت

جدول ۳ نشان می‌دهد که چهار طرحواره رهاشدگی، بی‌اعتمادی، وابستگی و آسیب‌پذیری وارد معادله تحلیل تشخیصی شده و بقیه متغیرها از معادله حذف شده‌اند. ضریب لامبدای ویلکز<sup>۱</sup> مقیاسی برای تشخیص بین دو طبقه است. هر چه مقدار آن کمتر باشد تشخیص بهتری صورت گرفته است. به همین دلیل هنگامی که طرحواره‌های بعدی وارد معادله می‌شود، مقدار ضریب لامبدا کاهش یافته است. برای مشخص شدن اینکه تابع تشکیل یافته براساس چهار متغیر بالا به چه میزان می‌تواند واریانس متغیر ملاک را تبیین نماید، ادامه یافته‌های حاصل از تحلیل، مورد بررسی قرار گرفت (جدول ۴).

### جدول ۴- خلاصه یافته‌های ارزش ویژه

تابع	مقدار ویژه	درصد واریانس	همبستگی استاندارد
۱	۰/۸۴	۱۰۰	۰/۶۷۶

ارزش ویژه قدرت تمیز قایل شدن تابع تشخیص بین طبقات را نشان می‌دهد. یافته‌های جدول ۵ نشان می‌دهد که تابع در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است. این یافته به این معناست که این تابع توانایی پیش‌بینی جایگاه افراد در هر یک از دو گروه را به‌طور معناداری دارد. با به توان دو رساندن همبستگی استاندارد، تابع نشان می‌دهد که می‌تواند ۴۵ درصد از واریانس متغیر ملاک را تبیین نماید. بنابراین فرضیه دوم پژوهش نیز تأیید می‌شود.

### جدول ۵- خلاصه یافته‌های آزمون تابع

تابع	لامبدای ویلکز	مربع کای	درجات آزادی	سطح معناداری
۱	۰/۵۴	۵۰/۷۰	۴	۰/۰۰۱

در ادامه برای پی بردن به میزان دقت تابع تشخیصی، پیش‌بینی جایگاه افراد براساس میانگین نمرات استاندارد حاصل از تابع تشخیصی، تعیین و با جایگاه واقعی آنها (مجرم جنسی و افراد غیرمجرم) مقایسه شد. نتایج نشان دادند، درجه حساسیت نمرات استاندارد حاصل از تابع تشخیصی برای گروه مجرم ۷۸ درصد و برای گروه غیرمجرم ۹۰ درصد است. به این معنا که تابع می‌تواند جایگاه ۷۸ درصد از مجرمان جنسی و ۹۰ درصد از افراد عادی را درست پیش‌بینی کند. با این حال میزان

1. Wilks, Lambda  
3. Burn, & Brown

2. Ward, Hudson, Johnston, & Marshall  
4. Drake, Ward, Nathan, & Lee

طرحواره‌های ناسازگار یانگ ساخته شده است نه براساس نظریه‌های ضمنی وارد.

این مطالعه با محدودیت‌هایی نیز روبه‌رو بوده است. اول اینکه این مطالعه به‌صورت مقطعی انجام شده است و نمی‌تواند درباره‌ی رابطه‌ی سببی طرحواره‌های ناسازگار اولیه و جرم جنسی تبیینی ارائه دهد. دوم مجرمان جنسی در این مطالعه به روش نمونه‌گیری در دسترس و از میان دو زندان قزلحصار و رجایی‌شهر انتخاب شده است که می‌تواند محدودیت‌هایی را در زمینه‌ی تعمیم‌یافته‌ها، تفسیرها و اسنادهای علت‌شناختی رابطه بین متغیرهای مورد بررسی مطرح کند که باید در نظر گرفته شوند. سوم، مشکلات احتمالی مربوط به روایی ابزار آزمون مورد استفاده در این پژوهش نباید از نظر دور داشته شود.

در نهایت براساس این پژوهش می‌توان به سه دسته از پیشنهاد‌های نظری، عملی و کاربردی اشاره کرد. در سطح نظری، از یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان از یک‌سو برای تأیید نظریه‌های کنونی مربوط به جرایم جنسی و از سوی دیگر برای طراحی پرسش‌ها و فرضیه‌های جدیدی در مورد رابطه‌ی جرایم جنسی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه و عوامل مؤثر بر بروز و گسترش این جرایم سود جست. در سطح عملی، درمان‌های شناختی - رفتاری برای مجرمان جنسی باید علاوه بر تغییر افکار خودآیند منفی، باورهای هسته‌ای بنیادی را نیز مورد توجه قرار دهد و آن را به چهارچوب برنامه‌های مداخله‌ای موجود در زمینه‌ی جرایم جنسی اضافه کنند. در سطح کاربردی، از این یافته‌ها می‌توان برای آموزش و آگاه‌سازی خانواده‌ها از این نوع جرایم، از طرحواره‌های ناسازگار اولیه به‌عنوان یکی از مهمترین عوامل مؤثر بر آنها، نقش خانواده در تحول این طرحواره‌ها استفاده کرد. برگزاری کارگاه‌های آموزش خانواده در مهدکودک‌ها و مدارس، ارائه‌ی بروشورهای علمی، برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های آموزشی از طریق رسانه‌های محلی و ملی، چاپ نتایج مطالعات علمی از جمله راه‌هایی است که برای آگاه‌سازی خانواده‌ها از این نوع جرایم، عوامل مؤثر بر آنها، درمان و پیشگیری از این جرایم پیشنهاد می‌شود.

### منابع

- دادستان، پ. (۱۳۸۵). روان‌شناسی جنایی. تهران: سمت.  
یانگ، ج. (۱۳۸۴). شناخت درمانی اختلالات شخصیت: رویکرد طرحواره - محور. ترجمه‌ی علی صاحبی و حسن حمیدپور. تهران: آگاه و ارجمند (سال انتشار اثر به زبان اصلی ۱۹۹۹).  
یانگ، ج. (۱۳۸۶). طرحواره‌ی درمانی. ترجمه‌ی حسن حمیدپور و زهرا اندوز. تهران: انتشارات ارجمند.

دیگر مجرمان جنسی در مقایسه با افراد غیرمجرم باورهای ناسازگارتری در زمینه‌ی دریافت نکردن حمایت و راهنمایی افرادی که در زندگی‌شان مهم هستند، ترد شدن، مورد بدرفتاری قرار گرفتن، احساس درماندگی و آسیب‌پذیر بودن دارند. مجرمانی که دارای طرحواره‌های رهاشدگی/ بی‌ثباتی هستند، معتقدند که روابطشان با افراد مهم زندگی ثباتی ندارد؛ و بالاخره روزی آنها را از دست می‌دهند (یانگ، ۱۳۸۴؛ ۱۳۸۶). بنابراین به نظر می‌رسد این افراد برای برقراری روابط جدید به رابطه‌ی جنسی روی می‌آورند، حتی اگر دیگران را مجبور به برقراری چنین روابطی کنند؛ تا از این طریق بتوانند خلأ موجود در روابط خود را پرکنند. در نتیجه این پژوهش‌ها می‌تواند تأییدی بر یافته‌های این پژوهش باشند که نشان می‌دهد طرحواره‌های رهاشدگی/ بی‌ثباتی و بی‌اعتمادی از توان بالایی برای پیش‌بینی جرایم جنسی برخوردارند.

مجرمانی که طرحواره‌ی بی‌اعتمادی/ بدرفتاری دارند، دنیا را جایی سرشار از ظلم و بی‌عدالتی می‌دانند که افراد برای رسیدن به علائق و نیازهای خود باید به دیگران آسیب برسانند و آنها را مورد بهره‌برداری قرار دهند (پلاچک و وارد، ۲۰۰۲). بر این اساس به نظر می‌رسد این افراد رفتارهای خصمانه‌ی خود نسبت به دیگران را به‌عنوان یک عمل پیشگیرانه از آسیب دیدن در نظر می‌گیرند. افرادی که طرحواره‌ی وابستگی دارند، از خودشان و محیط اطرافشان، انتظاراتی دارند که در توانایی آنها برای تفکیک خود از نماد والدین<sup>۱</sup> و دستیابی به عملکرد مستقلانه مانع ایجاد می‌کنند. این اشخاص نمی‌توانند برای خودشان اهداف مشخصی در نظر بگیرند و در مهارت‌های مورد نیاز تبحر پیدا کنند، بنابراین از نظر کارایی و کفایت در دوران بزرگسالی، مثل یک کودک کم‌سن و سال عمل می‌کنند (یانگ ۱۳۸۴؛ ۱۳۸۶). بنابراین به نظر می‌رسد گاهی این افراد با جبران افراطی طرحواره‌ی خود برای نشان دادن جدایی خود از خانواده و نشان دادن کفایت خود دست به روابط جنسی می‌زنند تا احساس توانایی کنند و نشان دهند که اهداف و معیارهایشان از خانواده جداست. از سوی دیگر افرادی که طرحواره‌ی آسیب‌پذیری دارند، سعی می‌کنند از طریق آسیب رساندن به دیگران با آسیبی که تصور می‌کنند در انتظار آنهاست، مقابله کنند.

یافته‌های به‌دست آمده از این پژوهش فقط یکی از نظریه‌های ضمنی وارد - نظریه‌ی ضمنی دنیای خطرناک در طرحواره‌ی بی‌اعتمادی - را تأیید کرد که شاید دلیل آن استفاده از مقیاس طرحواره‌های ناسازگار اولیه باشد که براساس نظریه‌ی



- An implicit theory Approach. *Journal of Sexual Aggression*, 7, 25-40.
- Falshaw, L., & Browne, K. (1997). Adverse childhood experiences and violent acts of young people in secure accommodation. *Journal of Mental Health*, 60, 443-455.
- Gannon, T.A., Ward, T., & Collie, R. (2007). Cognitive distortions in child molesters: Theoretical and research developments over the past two decades. *Aggression and Violent behavior*, 12, 402-416.
- Geer, J.H., Estupinan, L.A. & Manguno-Mire, G.M. (2000). Cognitive distortions in child molesters. *Aggression and Violent Behavior*, 5 (2), 99-126.
- Haapasalo, J., & Kankkonen, M. (1997). Self-reported abuse among sex and violent offenders. *Archives of Sexual Behavior*, 26, 421-431.
- Hanson, R.K., Gizzarelli, R., & Scott, H. (1994). The attitude of incest offenders: sexual entitlement and acceptance of sex with children. *Criminal Justice and Behavior*, 21, 187-202.
- Harrison, K. & Rainey, B. (2013). *The Wiley-Blackwell Handbook of Legal and Ethical Aspects of Sex Offender*. London: Wiley- black well.
- Hartly, C.C. (1998). How incest offenders overcome internal inhibitions through the use of cognitions and cognitive distortions. *Journal of Interpersonal Violence*, 13, 25-39.
- Hersh, K. & Gray-little, B. (1998). Psychopathic traits and attitude associated with self-reportes sexual aggression in college men. *Journal of Interpersonal Violence*, 14, p. 20-30.
- Krivoshey, M.S., Adkins, R., Hayes, R., Nemeth, J.M., Klein, E.G. (2013). Sexual assault Reporting procedures at ohio Colleges. *Journal of American College Health*. 61(3), 142-147.
- Murphy, W.D. (1990). Assessment and modification of cognitive distortions in sex offenders. In W.L. Marshall, D.R. Laws, & H.E. Barbaree (Eds.), *Handbook of Sexual Assault: Issues, Theories and Treatment of the Offender*. New York: Plenum press.
- Nunes, K. & Jung, S. (2013). Are Cognitive Distortions Associated With Denial and Minimization Among Sex Offenders? *Sex Abuse*, 25(2), 166-188.
- Polascheck, D.L. and Gannon, T.A. (2004). The implicit theories of rapists, what convicted offenders tell us. *Sexual abuse*. 16, 299-315.
- Polaschek, D.L.L. and ward, T. (2002). The implicit theories of potential rapists: what our Questionnaires tell us. *Aggression and Violent Behavior*, 7, 385-406.
- آمی، ق. (۱۳۸۴). هنجاریابی فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره یانگ (SQ-SF) (بررسی ساختار عاملی) بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران در سال ۸۴-۱۳۸۳. پایان‌نامه کارشناسی ارشد سنجش و اندازه‌گیری، دانشگاه علامه طباطبائی.
- هومن، ح. (۱۳۸۶). تحلیل داده‌های چند متغیری در پژوهش‌های رفتاری. تهران: پارسا.
- گال، ام، بورگ، و، و گال، ج. (۱۳۸۳). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی. ترجمه احمد رضا نصر. تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- American Psychological Association. (2000). *Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorder (4 th)*. Washington, D C: Author.
- Backer, E. & Beech, A.R. (2004). Dissociation and variability of adult attachment dimentions and early maladaptive schemas in sexual and violent offenders. *Journal of Interpersonal Violence*, 10 (10), 119-125.
- Beck, J.S. (1995). *Cognitive therapy*. Basics and beyond. New York: Guilford.
- Beech, A.R., Bartels, R.M. & Dixon, L. (2013). Assessment and Treatment of Distorted Schemas in Sexual Offenders. *Trauma Violence Abuse*, 14(1), 54-66.
- Boswell, G. (1995). *The prevalence of abuse and loss in the lives of section 53 offenders*. London: School of Social Work, University of East Anglia/ Prince's trust.
- Burn, M., & Brown, S. (2006). A review of the cognitive distortions in child sex offenders: An examination of the motivations and mechanisms that underlie the justification for abuse. *Aggression and Violent Behavior*, 11, 225-236.
- Byers, E.S., & Eno, R.J. (1991). Predicting men's sexual coercion and aggression from attitude, dating history, and sexual response. *Journal of Psychology and Human Sexualing*, 4, 55-70.
- Christopher, F.S., Owens, L.A. & stecker, H.L. (1993). Exploring the darkside of courtship: A test of a model of male premarital sexual aggressiveness. *Journal of Marriage and the Family*, 55, 469-479.
- Ciardha, C. & Ward, T. (2013). Theories of Cognitive Distortions in Sexual Offending What the Current Research Tells Us. *Trauma Violence Abuse*, 14(1), 5-21.
- Craissati, J. (2013). *Managing High Risk Sex Offenders in the Community: A Psychological Approach*. London: Routledge
- Dhawan, S., & Marshal, W.L. (1996). Sexual abuse histories of sexual offenders. *Journal of Sexual Aggression*, 8, 7-15.
- Drake, C., Ward, T., Nathan, P., & Lee, J. (2001). Challenging the cognitive distortions of child molesters:

- Ryan, G., Leversee, T. & Lane, S. (2011). *Juvenile Sexual offending: Causes, Consequences and Correction*(3th ed). Hoboken: John Wiley
- Ryan, K.M. (2004). Further evidence for a cognitive component of rape. *Aggression and Violent Behavior*, 9(6), 579-604.
- Schmidt, N.B., Joiner, T.E., Young, J.E., & Telch, M.J. (1995). The Schema Questionnaire: Investigation of psychometric properties and the hierarchical structure of a measure of maladaptive schema. *Cognitive Therapy and Research*, 19(3), 295-321.
- Tremblay, P.F., Dozois, D.J.A. (2009). Another perspective on trait aggressiveness: overlap with early maladaptive schemas. *Personality and Individual Differences*, 46, 569-574.
- Ward, T and Keenan, T. (1999). Child molesters implicit theories. *Journal of Interpersonal violence*, 14, 821-838.
- Ward, T. (2000). Sexual offender's cognitive distortions as implicit theories. *Aggression and Violent Behavior*, 5, 491-507.
- Ward, T., Gannon, T.A., Keown, K. (2006). Beliefs, values, and action. The judgment model of cognitive distortions in sexual offender. *Aggression and Violent Behavior*. 11 (4), 323-340.
- Ward, T., Hudson, S.M., Johnston, L., & Marshall, W.L. (1997). Cognitive distortion in sex offenders: An integrative review. *Clinical Psychology review*, 17, 479-507.